

بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی انضباطی والدین با بحران هویت و عشق پرشور به جنس مخالف در پسران نوجوان

احمد امانی

استادیار مشاوره، دانشگاه کردستان

محسن بابایی گرمخانی^۱

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران

دریافت: ۹۳/۲/۱۴

پذیرش: ۹۳/۵/۱۲

چکیده

هدف: فضای خانواده به لحاظ کیفیت تعاملات، یکی از عوامل مهم اثرگذار بر روحيات اعضای آن بوده و حوزه وسیعی از مطالعات خانواده درمانگران و روانشناسان سیستمی را تشکیل می‌دهد. هدف از این پژوهش بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی انضباطی والدین با بحران هویت و عشق پرشور به جنس مخالف در پسران نوجوان آنها است.

روش: روش پژوهش توصیفی- همبستگی و از رگرسیون چندگانه برای پیش بینی بحران هویت و عشق پر شور در نوجوانان پسر استفاده شد. جامعه تحقیق کلیه دانش آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهرستان هرسین می‌باشد که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۲۶۳ نفر انتخاب شدند. ابزارهای سنجش در این پژوهش عبارت بودند از مقیاس عشق پرشور در روابط صمیمی، مقیاس همبستگی خانواده، پرسشنامه بحران هویت و مقیاس الگوی سخت انضباطی والدین.

1. babay.mohsen@yahoo.com

یافته‌ها: حاکی از تایید رابطه میان متغیرهای تحقیق بود و تنها همبستگی بین الگوی انضباطی پدر و مادر معنادار نشد در بقیه موارد تمامی همبستگی‌ها معنی‌دار بود ($p < 0/01$). همچنین همبستگی منفی انسجام خانوادگی و الگوی انضباطی پدر و مادر نیز معنادار بود ($p < 0/01$). از میان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده نیز بهترین پیش‌بین برای هر دو متغیر بحران هویت و عشق پرشور نیز همبستگی خانواده بود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد هر چه میزان همبستگی خانواده کمتر و الگوی انضباطی والدین سخت‌تر باشد، وابستگی عاطفی شدید یا عشق پرشور به جنس مخالف، و بحران هویت بیشتری در نوجوانان پسر آنها شکل خواهد گرفت، همچنین هرچه همبستگی خانوادگی کمتر باشد خانواده بیشتر از الگوی انضباطی سخت برخوردارند و یا الگوی انضباطی سخت‌تر والدین با همبستگی خانوادگی کمتری در خانواده‌ها همراه است.

واژگان کلیدی: همبستگی خانواده، الگوی انضباطی والدین، بحران هویت، عشق پرشور.

مقدمه

خانواده کانون شکل‌گیری رفتارها، افکار و عواطف فرزندان است و در چند دهه اخیر مداخلات خانواده درمانی و رویکردهای سیستمی به عنوان موج چهارم رویکردهای روانشناسی در افزایش سلامت روان اعضای خانواده و فرزندان پیشرفت خوبی داشته است، لذا عده‌ای زیادی از محققان با اتخاذ موضع سیستمی و بافتی بر اثرگذاری بیشتر پدیده‌های محیطی در مقایسه با متغیرهای رشدی بر کیفیت سلامت روان افراد تأکید دارند (آدامز، ریان و کتینگ^۱، ۲۰۰۰). بی‌شک خانواده تأثیر بسیار زیادی در کیفیت روابط صمیمانه فرزندان با دیگران دارد، روابط میان اعضای خانواده تجربه‌ای مهم را برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی و روابط بین فردی سالم به خصوص روابط عاشقانه فرزندان رقم می‌زند (چویی^۲، ۲۰۱۲). خانواده فراهم کننده فضای امنی است که فرزندان در آن مهارت‌های ارتباط صمیمانه و نزدیک سالم را در آن می‌آموزند (میلر و همکاران^۳، ۲۰۰۹). یکی از کنش‌های خانوادگی انسجام و یا همبستگی خانوادگی^۴ است که نشان دهنده روابط عاطفی میان والدین و فرزندان در مراحل مختلف رشدی است (کوونگر و همکاران^۵، ۱۹۹۹). گرین و وارنر^۶ (۱۹۹۶) معتقدند خانواده‌هایی که همبستگی در آنها بالاست اعضا حمایت بیشتری از یکدیگر دارند، احساس نزدیکی و گرمی بیشتری نسبت به همدیگر دارند و وقت بیشتری برای با هم بودن و صمیمیت روانی و فیزیکی می‌گذارند. اغلب محققان همبستگی خانواده را عامل مهمی در توانایی استقلال عاطفی^۷ از دیگران عنوان کرده‌اند (استنبرگ^۸، ۱۹۸۶). تحقیق جانسون، لاوویس و ماهونی^۹ (۲۰۰۱) نشان داد همبستگی خانواده و شاخص‌های عدم سازگاری (احساس تنهایی، اضطراب و اجتناب

1. Adams & ryan & keathing
2. Choi
3. Miller et al
4. Family cohesion
5. Conger
6. Green & Werner
7. Emotional independence
8. Strenberg
9. Johnson & laVOICE & Mahony

اجتماعی^۱) در میان نوجوانان رابطه‌ای منفی را نشان می‌دهد. لذا همبستگی خانوادگی بالا از احساس تنهایی و اضطراب و اجتناب اجتماعی جلوگیری می‌کند که خود می‌تواند منجر به کاهش احساس تنهایی و عدم گرایش و وابستگی شدید به روابط با افراد خارج از خانواده باشد. همچنین تحقیق سامانی و رضویه (۱۳۸۶) نشان داد افرادی که همبستگی خانوادگی بیشتری داشتند مشکلات عاطفی کمتری را نشان دادند و برعکس افرادی که همبستگی خانوادگی کمتری داشتند مشکلات عاطفی بیشتری را نشان دادند. کاجر^۲ و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که خانواده‌هایی که در آنها میزان همبستگی کم است، کیفیت زندگی و بهزیستی ذهنی^۳ پایینی را تجربه می‌کنند و در روابط بین فردی خود مشکلات بیشتری را دارند. یکی دیگر از موارد مربوط به همبستگی خانوادگی مقوله سن است که مطالعات رابطه‌ای منفی میان سن و همبستگی خانوادگی را تشخیص داده‌اند (سامانی و مزیدی، ۱۳۷۹). نوجوانی سنی است که هر فردی برای اولین بار توجه و گرایش به جنس مخالف و عشق را تجربه می‌کند، لذا می‌توان گفت با فاصله گرفتن کودکان از کودکی و ورود به نوجوانی و جوانی احساس همبستگی آنان به طور طبیعی کاهش می‌یابد و آماده تشکیل خانواده و توجه به جنس مخالف می‌شوند حال اگر دلایلی مضاف بر این حالت ناشی از عدم همبستگی در خانواده نزاع و درگیری بیافریند، این استقلال دیگر حالت طبیعی نخواهد داشت و ممکن است به صورت نیاز شدید به استقلال از خانواده اصلی و وابستگی به دیگران و افتادن در روابط عشقی پرشور و خالی از منطقی گردد، و در صورت منتهی شدن به ازدواج سهم عمده‌ای در افزایش آمار طلاق‌های ناشی از ازدواج‌های متکی بر احساس شدید و خالی از منطقی در کشور را دارد. مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات رفتاری افراد ریشه در عملکردهای بد خانواده آنها دارد و نوجوانان را به سوی رفتارهای پر خطر سوق می‌دهد (اکرودیو، ۲۰۱۰؛ به نقل از شهرکی ثانوی و همکاران، ۱۳۹۰) الگوی فرزندپروری مبتنی بر اجبار و سخت‌گیری

1. Social avoidance
2. Kager et al
3. Subjective wellbeing

والدین نیز که تنبیه بدنی یکی از موارد مهم اجرای آن است با برخی مشکلات نوجوانان همچون اضطراب و افسردگی، پرخاشگری و رفتار ضداجتماعی رابطه مثبت دارد (گرشاف^۱، ۲۰۰۲). همچنین فرزندان والدین سخت گیر ظاهراً در حالت تسلیم و اطاعت از پدر و مادر به سر می‌برند، ولی در واقع دچار هیجان و اضطراب‌اند، این کودکان استقلال کافی ندارند و احساس ناامنی در آنها شدید است و هنگام تصمیم‌گیری در امور اساسی زندگی، به سبب اضطراب و تنش که در اثر ناامنی پدید آمده است، دچار خطاهای گوناگون رفتاری می‌شوند که یکی از آنها فرار از خانه است (شعاری نژاد، ۱۳۷۲). درمانگران متعدد به اهمیت دوران اولیه زندگی افراد در شکل دهی به ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی و بین فردی آنها تأکید دارند (امانی و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعه بروک و همکاران^۲ (۱۹۸۳) نشان داد که سردی روابط عاطفی پدر و مادر با فرزندان و طرد آنها با مصرف مواد در فرزندان ارتباط دارد.

شکل‌گیری هویت نیز یکی از مهمترین بحران‌های دوره نوجوانی است که حل آن در تکامل رشدی سنین بعدی بسیار مهم است. ریردان و گریفینگ^۳ (۱۹۸۳) معتقدند ارتباط مثبت پدر و مادر با فرزند برای رشد یک خودپنداره نیرومند که بتواند از مشکلات رفتاری پیش‌گیری کند دارای اهمیت زیادی است. رشد و پدیدآیی هویت یک جستجوی فعالانه و یک تعهد ضروری برای رسیدن به نقطه نظرات شخصی، قواعد اخلاقی، اهداف و آرزوهای زندگی فعلی و آتی نوجوانان است، که نوع پرورش فرزند والدین می‌تواند در تکامل آن اثری مثبت داشته و یا به عنوان مانعی در راه رسیدن به هویت سالم عمل کند (اریکسون^۴، ۱۹۶۸). نوجوانانی که روابط گرم و صمیمانه‌ای با والدین خود دارند، از مفهوم خود عمیق‌تری برخوردار هستند، بیشتر به خود اعتماد دارند، از سازگاری روانی بالاتری بهره می‌برند، با مشکلات درگیر می‌شوند و برای یافتن راه‌حل مناسب تلاش می‌کنند (برزونسکی^۵، ۲۰۰۴).

1. Gershoff
2. Brook et al
3. Reardon & Griffing
4. Erikson
5. Berzonsky

مطالعات در مورد استقلال و وابستگی، نشان می‌دهد رشد هویت مردانه بیشتر بر اساس استقلال است تا وابستگی، درست در مقابل رشد هویت زنانه که بیشتر بر محور وابستگی است (شکرایی و اسکندری، ۱۳۸۳). همچنین عقیده بر این است که تربیت والدین مستبد و سخت‌گیر، در پسران بیش از دختران نتایج منفی دراز مدت بر جای می‌گذارد (قائم‌ی، ۱۳۷۹). در خانواده‌هایی که والدین از رفتارهای باز استفاده می‌کنند سیر تکاملی هویت نوجوانان بیشتر تسهیل می‌شود تا خانواده‌هایی که از رفتارهای بسته‌ای مثل قضاوت استفاده می‌کنند (شولتز و بلوستین^۱، ۱۹۹۴). تحقیقات نشان می‌دهد الگوی انضباطی مادرانی که از قدرت و اعمال فشار بر فرزندان استفاده می‌کنند با اختلالات کارکردی در نوجوانان دارای رابطه مثبت می‌باشد، همچنین وجود تعارض والدین با فرزندان و عدم پذیرش نوجوانان از جانب والدین به مشکلات هویت‌یابی در ارتباط است (ریس و یونیس^۲، ۲۰۰۴). گرایش به جنس مخالف در دوره نوجوانی نیز از جمله مسایل مهم نوجوانان است. عشق قدمتی به فراخنای خلقت آدمی دارد و همواره از موضوعات اساسی مورد بحث در رویکردهای زوج درمانی و خانواده درمانی بوده است. اخیراً روانشناسان اجتماعی به مطالعه درباره عشق پرشور در روابط صمیمانه علاقه‌مند شده‌اند، هاتفیلد و راپسون^۳ (۱۹۹۶) عشق پرشور که گاهی عشق وسواسی نیز نامیده می‌شود را به عنوان احساسی شدید و علاقه‌ای وافر به چیزی همراه با ارتباطی نزدیک به عواطفی چون لذت، ناراحتی، عصبانیت، ترس و حسادت تعریف می‌کنند. عشق پرشور، هیجان پرحرارتی است که تمایل شدید و مدت‌دار برای پیوند با دیگری را شامل می‌شود (ماسودا^۴، ۲۰۰۳). به اعتقاد استرنبرگ (۱۹۸۶) در عشق پرشور، میل و شور، قوی و تعهد و صمیمیت پایین است. دیون و دیون^۵ (۱۹۹۳) معتقدند مردان در عشق پر شور نمره بالاتری را در مقابل زنان می‌گیرند و در مقابل این نوع عشق، عشق مشفقانه قرار دارد که با حالتی آرامش برانگیز و

1. Shulthes & Blustein
2. Reis & Youniss
3. Hatfield & Rapson
4. Masuda
5. Dion & Dion

صمیمیت و تعهد و دل‌بستگی مشخص می‌شود. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود نماید، مانع بروز استعدادهای بالقوه او می‌شوند و در نتیجه این قبیل کودکان در آینده افرادی روان آزرده و پرخاشگر خواهند شد (امیری نژاد، وقریشی راد و جوانمرد، ۱۳۹۰).

مطالعات هاتفیلد و راپسون (۱۹۹۶) نشان دهنده رابطه مثبت استرس و اضطراب و عشق پرشور یا به عبارتی وابستگی عاطفی شدید به جنس مخالف می‌باشد که از جمله شرایط ایجاد کننده اضطراب و استرس کاهش همبستگی خانوادگی در میان اعضاست. آنها همچنین معتقدند عشق پرشور با گذشت زمان به سرعت کاهش می‌یابد. تحقیقات متعددی بیان‌کننده این مطلب اند که هم کودکان و هم نوجوانان در زمانی که تحت شرایط اضطراب و استرس قرار دارند به طور خاص گرایش زیادی به جذب شدن به روابط رمانتیک دارند. به عقیده ریک^۱ (۱۹۷۲) زمانی که افراد در حالت خوبی نیستند، زمانی که عزت نفس آنان کاهش پیدا کرده، زمانی که ترسیده و یا مضطرب‌اند و زندگی آنها سخت و در شرایطی پریشان‌کننده است آنان به احتمال بیشتری در روابط عشقی پرشور می‌افتند. لازم به ذکر است که در مطالعه لاوینگ^۲ و همکاران (۲۰۰۹) در تبیین ساختار عصبی-زیستی عشق پرشور مشخص شد افرادی که نمره بالاتری در عشق پرشور می‌گیرند ترشح هورمون نروتروفین^۳ و دیگر هورمون‌های وابسته به استرس در آنها بیشتر است. همچنین اضطراب و آشفتگی ناشی از سطح پایین همبستگی و انسجام در خانواده سهم عمده‌ای در شکل‌گیری روابط زود هنگام صمیمی و جنسی نوجوانان با جنس مخالف، خارج از حوزه عرف خانواده و اجتماع دارد، که در مواردی منجر به آسیب‌هایی جبران‌ناپذیری همچون عفونت‌های مقاربتی^۴، حاملگی‌های ناخواسته^۵، و دیگر موارد می‌شود (گراف^۶ و همکاران، ۲۰۱۱). به علاوه نوجوانانی که در عشق پرشور می‌افتند

-
1. Reik
 2. Loving et al
 3. Neurotrophin
 4. Sexually transmitted infections
 5. Unintended pregnancy
 6. Graaf et al

حالت‌هایی این چنین را از خود نشان می‌دهند: حالتی از درگیری دائم فکری درباره طرف مورد نظر، آرمانی‌سازی ویژگی‌های طرف مقابل همچون زیبایی و مهربانی و...، میل به صمیمیت و نزدیکی بیشتر به خصوص در روابط جنسی، احساس یاس در صورت ترک شدن، بیقراری و برانگیختگی روانی^۱ زیاد، کمک‌رسانی برای اثبات دلدادگی به طرف مقابل، و... (هاتفیلد و راپسون، ۱۹۹۶).

یکی دیگر از موارد مهم در تبیین عشق پر شور در بزرگسالان نظریه دلبستگی است. آینسورث و بالبی^۲ (۱۹۹۱) معتقدند افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا^۳ بیش از دو سبک دیگر به دنبال نزدیکی عاطفی با دیگران‌اند و کیفیت این جستجو بیان‌کننده تأمین یک نیاز حیاتی ناتمام به جا مانده از کودکی به دلبستگی و صمیمیتی است که کودک در خانواده‌ای که همبستگی کم، و روابط ناسالم فرزندان با والدین، نیاز به نزدیکی و صمیمیت و حمایت فرزندان توسط افراد مهم زندگیشان (پدر و مادر) را به حاشیه رانده، از آن محروم بوده است. سبک اجتنابی^۴ از صمیمیت و نزدیکی عاطفی گریزان است، و سبک ایمن^۵ نیز احساس وابستگی شدیدی به دیگران پیدا نمی‌کند. همچنین فرالی^۶ (۲۰۰۲) معتقد است دلبستگی ایمن با زندگی و رشد فرزندان در شرایط خانوادگی با همبستگی بالا دارای رابطه است، چنین افرادی به خود و دیگران اعتماد بیشتری دارند و دارای عزت نفسی بالا هستند و حدود روابط را حفظ کرده و وابستگی شدیدی به دیگران پیدا نمی‌کنند و از ارتباط با دیگران نیز فرار نمی‌کنند. در همین ارتباط جانسون (۱۳۸۹) معتقد است ترس و تردید^۷ نیازهای دلبستگی را تشدید می‌کند، خواه این امر به دلیل رویدادهای آشفته ساز و اضطراب زای زندگی روز مره باشد و خواه به دلیل رویدادهای تهدیدکننده رشته‌های دلبستگی همچون مرگ و فقدان و طرد،

1. Psychological arousal
2. Ainsworth & Bowlby
3. Anxious-ambivalent
4. Avoidant
5. Secure
6. Fraley
7. Uncertainty

این مسئله منجر به فعال سازی رفتارهای دلبسته مداری همچون مجاورت طلبی^۱ می گردد و این فرایند یک مکانیزم درون ساخته و فطری است که وظیفه خود تنظیمی هیجانی را بر عهده دارد. لذا می توان انتظار داشت با افزایش تنش و درگیری در خانواده به دنبال چرخه سخت گیری انضباطی والدین و مقاومت نوجوانان و کاهش احساس همبستگی در محیط خانوادگی، نوجوانان پسر گرایش عاطفی بیشتری به جنس مخالف در جهت خود تنظیمی هیجانی نشان دهند.

هدف از این پژوهش بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی انضباطی والدین با بحران هویت و عشق پرشور به جنس مخالف در پسران نوجوان است. در واقع پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است:

۱. آیا همبستگی و انسجام خانوادگی در خانواده می تواند بحران هویت و گرایش عاطفی شدید یا عشق پرشور به جنس مخالف را در نوجوانان پسر پیش بینی کند؟
۲. آیا الگوی انضباطی پدر و مادر در خانواده می تواند بحران هویت و گرایش عاطفی شدید یا عشق پرشور به جنس مخالف را در نوجوانان پسر پیش بینی کند؟

روش

روش این پژوهش توصیفی- همبستگی است و از رگرسیون چند گانه برای پیش بینی بحران هویت و عشق پر شور در نوجوانان پسر از روی همبستگی خانواده و الگوی انضباطی پدر و مادر استفاده شد. جامعه آماری کلیه دانش آموزان دبیرستان های پسرانه شهرستان هرسین بود که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۲۸۰ نفر از میان آنان انتخاب شدند و به پرسشنامه ها پاسخ دادند، که در نهایت با غربالگری پرسشنامه های بی اعتبار (به دلیل عدم پاسخگویی به برخی سوالات از جانب افراد) تعداد ۲۶۳ پاسخنامه سالم به دست آمد که به

1. Proximity Seeking

عنوان نمونه تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار Spss20 تحلیل شدند.

ابزارها: مقیاس همبستگی خانوادگی (fcs^۱): در این پژوهش از مقیاس همبستگی خانواده رضویه و سامانی استفاده شد، که دارای ۲۸ سؤال با طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است (۱. تقریباً هرگز؛ ۲. چند وقت یک بار؛ ۳. گاهی؛ ۴. اکثراً؛ ۵. تقریباً همیشه). این مقیاس انسجام خانوادگی و چگونگی روابط صمیمی اعضای خانواده و همچنین فرزندان با والدین را از دید فرزندان می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس برابر است با ۰/۹۰ و ضریب اعتبار بازآزمایی آن ۰/۷۹ به دست آمده است (سامانی، ۱۳۸۱ به نقل از جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین همبستگی درونی این مقیاس توسط سامانی (۲۰۰۴) ۰/۸۵، آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و ضریب پایایی باز آزمایی ۰/۸۰ به دست آمد.

مقیاس الگوی سخت انضباطی والدین (phds^۲): این مقیاس توسط پیر موری (۱۹۹۷) ساخته شد و دارای ۵۰ سؤال است و در یک طیف ۴ درجه‌ای از ۰ تا ۳ (=۰ هرگز؛ ۱= به ندرت؛ ۲= گاهی؛ ۳= همیشه) علامت گذاری می‌شود (ساعتچی و همکاران، ۱۳۸۹). همانطور که از اسم مقیاس پیداست این پرسشنامه کنترل تربیتی سخت و کمی انعطاف والدین را می‌سنجد و هرچه آزمودنی نمره بیشتری در این آزمون بگیرد الگوی انضباطی والدین خود را سخت‌تر ارزیابی کرده است. موری همبستگی اسپیرمن دو مقوله (پدر و مادر) را ۰/۹۸ محاسبه نمود و همچنین اعتبار این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و روش دونیمه کردن را برای مقوله‌های پدر و مادر به ترتیب (۰/۸۹ و ۰/۹۱) و (۰/۸۱ و ۰/۸۳) محاسبه نمود. پایایی آن با روش بازآزمایی در فاصله ۴ هفته قبل از اجرای پژوهش بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری همبستگی ۰/۷۳ رانشان داد که میزان قابل قبولی است. روایی همگرایی مقیاس نیز با خرده مقیاس سبک فرزند پروری استبدادی (کنترل زیاد- محبت کم) پرسش‌نامه سبک فرزند پروری

1. Family cohesion scale
2. Parental hard discipline scale

ادراک شده (PSQ^۱) همبستگی ۰/۵۹ را نشان داد که همانند پایایی آن در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

مقیاس عشق پرشور در روابط صمیمی هاتفیلد و راپسون (PLS^۲): که شامل ۱۵ ماده و شیوه پاسخگویی به آن در یک طیف لیکرتی ۹ درجه ای است و از ۱ تا ۹ انتخاب می شود. که هرکس میزان موافقت خود را با جملات در این پیوستار مشخص می کند. هاتفیلد واسپریچر^۳ (۱۹۸۶) پایایی مقیاس را با آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه کردند، همچنین آنها روایی سازه این مقیاس را نیز از طریق همبستگی، ۰/۸۶ با مقیاس عشق رابینز برای مردان به دست آوردند که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. همچنین ضریب آلفای کرونباخ توسط رفیعی نیاواصغری (۱۳۸۶) ۰/۸۲ گزارش شده است که نشان از همسانی درونی این مقیاس می باشد. همچنین این مقدار آلفا در مطالعه (لاوینگ، کروکت و پاکسون^۴، ۲۰۰۹) ۰/۷۶ گزارش شده است.

پرسشنامه بحران هویت (IC^۵): این آزمون توسط احمدی (۱۳۷۸) در دانشگاه اصفهان ساخته شده است. او ابتدا معیارهای تشخیص بحران هویت را از کتابهای تشخیصی مشخص و سپس برای هر معیار سؤالهایی با درجات کم تا زیاد طرح کرد. این معیارها عبارت بودند از: (۱) اشکال در اهداف بلندمدت؛ (۲) تردید در انتخاب شغل؛ (۳) نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت؛ (۴) نامتناسب بودن رفتار جنسی؛ (۵) اشکال در شناخت و معرفت دینی؛ (۶) عدم توجه به ارزشهای اخلاقی؛ (۷) رعایت نکردن تعهد گروهی؛ (۸) اختلال در تنظیم وقت؛ (۹) نداشتن الگوی مناسب برای تشکیل خانواده؛ (۱۰) داشتن دید منفی نسبت به خود. حداکثر نمره آزمون که نشان دهنده بالاترین بحران هویت است برابر با ۳۰ و حداقل نمره بحران هویت ۹ و پایین تر از نمره ۹ نشانه نداشتن بحران هویت است. احمدی و رضوانی نژاد (۱۳۷۸) ضریب

1. Parenting style questionnaire
2. Passionate love scale
3. Hatfield, E. & Sprecher
4. Loving & Crockett & Paxson
5. Identity crisis

اعتبار ۰/۷۸ را برای این آزمون از طریق دو نیمه کردن زوج و فرد به دست آورد، همچنین ضریب اعتبار اسپیرمن براون برای آزمون هویت شخصی محاسبه گردید که ۰/۹۲ بود.

یافته‌ها

جدول ۱. اطلاعات توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
۱. همبستگی خانوادگی	۱					۶۰/۳۱	۲۱/۲۴	۲۶	۸۵
۲. الگوی انضباطی مادر	-.۳۵**	۱				۴۹/۴۲	۱۴/۷۸	۱۲	۳۸
۳. الگوی انضباطی پدر	-.۲۷**	.۱۴	۱			۵۸/۱۴	۱۵/۹۹	۱۶	۵۲
۴. بحران هویت	-.۴۸**	.۴۷**	.۳۶**	۱		۱۵/۸۶	۱۳/۲۵	۶	۲۵
۵. عشق پرشور	-.۳۹**	.۳۷**	.۴۱**	.۵۱**	۱	۴۱/۹۳	۸/۲۳	۲۱	۶۵

** $p < 0.01$ ، * $p < 0.05$

در جدول ۱ اطلاعات توصیفی متغیرها در گروه نمونه مشاهده می‌شود که شامل ضریب همبستگی، میانگین، انحراف معیار، و تعداد افراد نمونه در هر متغیر می‌باشد. رابطه همبستگی خانوادگی با متغیرهای الگوی انضباطی مادر، الگوی انضباطی پدر، بحران هویت و عشق پرشور به ترتیب ۰/۳۵، ۰/۲۷، ۰/۴۸، و ۰/۳۹ می‌باشد که در سطح (۰/۰۱) همگی معنادارند. رابطه الگوی انضباطی مادر نیز با بحران هویت و عشق پرشور به ترتیب ۰/۴۷ و ۰/۳۷ بود که هر دو در سطح (۰/۰۱) معنادارند. این رابطه با الگوی انضباطی پدر ۰/۱۴ بود که معنادار نبود. همچنین رابطه الگوی انضباطی پدر با بحران هویت و عشق پرشور به ترتیب ۰/۳۶ و ۰/۴۱ بود که در سطح (۰/۰۱) معنادار بود. همبستگی بحران هویت با عشق پرشور نیز ۰/۵۱ به دست آمد که این رابطه نیز در سطح (۰/۰۱) معنادار بود.

جدول ۲. پیش بینی بحران هویت پسران نوجوان از طریق همبستگی خانواده و الگوی انضباطی پدر و

مادر

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	B	Std. Error	β	T	sig
بحران هویت	همبستگی خانواده	-۰/۱۱۸	۰/۰۱۷	-۰/۲۹۲	-۴/۹۳۸	۰/۰۰۰
	الگوی انضباطی پدر	۰/۰۸۹	۰/۰۱۶	۰/۱۴۶	۲/۴۰۲	۰/۰۱۷
	الگوی انضباطی مادر	۰/۱۵	۰/۰۲۴	۰/۲۸۲	۴/۳۶۸	۰/۰۰۰
		Std. Error = ۰/۳۴		$F=۱۸/۳۶$	$R^2=۰/۳۴۸$	$R=۰/۵۹$

** $p < ۰/۰۱$ ، * $p < ۰/۰۵$

بر اساس اطلاعات جدول ۲ مؤلفه‌های همبستگی خانواده، الگوی انضباطی پدر و الگوی انضباطی مادر که همبستگی معناداری را با بحران هویت داشتند مدل پیش بینی معنی داری را پدید آوردند ($F=۱۸/۳۶$ ، $P < ۰/۰۱$). و به صورت مشترک $۰/۳۴$ واریانس بحران هویت را تبیین کردند. همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که با افزایش یک انحراف استاندارد متغیر همبستگی خانواده، متغیر بحران هویت به میزان $۰/۲۹۲$ انحراف استاندارد کاهش یافته و با افزایش یک انحراف استاندارد متغیرهای الگوی انضباطی پدر و الگوی انضباطی مادر، متغیر بحران هویت بر اساس آنها به ترتیب $۰/۱۴۶$ و $۰/۲۸۲$ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در این معادله به ترتیب متغیر همبستگی خانواده ($\beta = -۰/۲۹۲$) قوی ترین پیش بینی کننده بحران هویت بود.

خانواده با بحران هویت و عشق پرشور به ترتیب ($R = -0/48$) و ($R = -0/39$) بود که هر دو معنادار بودند ($P < 0/01$). همچنین همبستگی خانواده بحران هویت را ($T = -4/93$ ، $T = -0/292$ ، $\beta = 0/000$) و عشق پرشور را ($T = -3/46$ ، $T = -0/253$) در سطح معناداری ($0/002$) $\beta =$ پیش بینی نمود، که از نظر مقدار ضریب رگرسیونی (β) و آماره (T) بهترین پیش بینی کننده بحران هویت و عشق پر شور در نوجوانان پسر بود. لذا فرض صفر سؤال پژوهشی اول مبنی بر عدم ارتباط همبستگی خانواده با بحران هویت و عشق پرشور در پسران نوجوان رد شده و سؤال پژوهش تأیید می گردد. این یافته به یافته‌های تحقیقات (خلج‌آبادی و مهیار، ۱۳۸۹؛ برزونسکی، ۲۰۰۴؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۷ و پرهیزکار و همکاران، ۱۳۸۸؛ چویی، ۲۰۱۲، فرالی ۲۰۰۲، گراف و همکاران، ۲۰۱۱) نزدیک می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت رفتار والدین با نوجوانان نقش مهمی در سلامت روانی آنها ایفا می‌کند. نوجوانان در پی کسب استقلال و ورود به دنیای بزرگسالان نیاز به آزادی عمل و حمایت روانی و تأیید عاطفی از جانب والدین دارند، که دادن آزادی بیشتر به نوجوان و ارائه رفتاری که نوجوان از آن احساس دوست داشته شدن، محبت و مورد حمایت بودن بکند از جمله این رفتارهاست. احساس همبستگی در خانواده نوعی صمیمیت و همدلی را در روابط بین فردی اعضا نشان می‌دهد، که در سلامت روانی اعضا بسیار مؤثر است. در مطالعه خلج‌آبادی و مهیار (۱۳۸۹) مشخص شد یکی از عوامل پیشگیری کننده از روابط دوستی مخرب دختران و پسران در استان تهران، احترام جوانان به والدین و رابطه و فضای صمیمی خانواده بود، این مسئله می‌تواند تبیین کننده رابطه منفی به دست آمده همبستگی خانواده و عشق پرشور به جنس مخالف در پسران نوجوان باشد، لذا هرچند نیاز بشر به ارتباط با جنس مخالف کاملاً با داشتن ارتباط مناسب و احساس همبستگی با والدین رفع نمی‌گردد اما حداقل به صورت اجباری افراد را برای جستجوی محبت و یا نشان دادن سربلندی و استقلال شخصی نیز روانه کوچه و خیابان نمی‌کند و پل ارتباطی و گفتگوی سالم مسئله‌مدار برای حل مشکل و آگاهی بخشی به نوجوانان از طریق والدین را تخریب نمی‌کند. در تبیین رابطه همبستگی خانواده و بحران هویت نیز می‌توان

گفت مطالعات نشان می‌دهند نوجوانانی که روابط گرم و صمیمانه‌ای با والدین خود دارند، از مفهوم خود عمیق‌تری برخوردار هستند، بیشتر به خود اعتماد دارند، از سازگاری روانی بالاتری بهره می‌برند، با مشکلات درگیر می‌شوند و برای یافتن راه‌حل مناسب تلاش می‌کنند (برزنسکی، ۲۰۰۴). لذا هرچقدر در خانواده همبستگی و انسجام کمتری وجود داشته باشد نوجوانان پسر بیشتر احتمال دارد که به عوارض بحران هویت گرفتار شوند. به نظر می‌رسد جو مثبت خانواده‌های منسجم که همراه با احساس مسئولیت‌پذیری متقابل است، زمینه مساعدی برای به دست آوردن ویژگی‌های مثبت مانند هدفمندی، تلاش برای عالی بودن و نظم و سازماندهی باشد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین در تحقیق پرهیزکار و همکاران (۱۳۸۸) مشخص شد دانش‌آموزان دارای بحران هویت نسبت به دانش‌آموزان فاقد بحران هویت رابطه ضعیف‌تری با مادر و با پدر خود داشتند.

به طور کلی جو خانوادگی که هم فردیت (آزادی) و هم دلبستگی (همبستگی) را مورد توجه قرار دهد، باعث رشد هویت سالمی در نوجوانان می‌شود (آدامز و همکاران ۲۰۰۰). در رابطه با سؤال دوم پژوهش نیز یافته‌های جدول ۱ و ۳ نشان دهنده رابطه مثبت الگوی انضباطی پدر با بحران هویت ($R=0/36$) و عشق پرشور ($R=0/41$) بود که معنادار بود ($P<0/01$). همچنین این رابطه برای الگوی انضباطی مادر با بحران هویت ($R=0/47$) و عشق پر شور ($R=0/37$) نیز وجود داشت ($P<0/01$). همچنین الگوی انضباطی پدر بحران هویت را ($\beta=0/146$, $T=2/402$) در سطح ($0/017$) و عشق پرشور را ($\beta=0/247$, $T=3/333$) در سطح معناداری ($0/004$) پیش‌بینی نمود. الگوی انضباطی مادر نیز بحران هویت و عشق پر شور را به ترتیب با ($\beta=0/282$, $T=4/36$) و ($\beta=0/152$, $T=2/17$) و در سطوح ($P<0/01$) و ($P<0/05$) پیش‌بینی نمود. لذا فرض صفر سؤال پژوهشی دوم مبنی بر عدم ارتباط الگوی انضباطی والدین با بحران هویت و عشق پر شور در پسران نوجوان رد شده و سؤال پژوهش تأیید می‌گردد. لذا هرچه الگوی انضباطی والدین سخت‌تر و کم‌انعطاف‌تر باشد بیشتر احتمال دارد که نوجوانان پسر آنها دچار بحران هویت و عشق پر شور گردند. این یافته نیز به یافته‌های

تحقیقات (ضرغام بروجنی و همکاران، ۱۳۸۰؛ خویی نژاد و همکاران، ۱۳۸۶) نزدیک می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت رفتار انضباطی والدین از عوامل اساسی تأثیرگذار بر روحيات فرزندان است، در تحقیق ضرغام بروجنی، یزدانی و یزدان نیک (۱۳۸۰) مشخص شد بیشترین میانگین نمره افسردگی و بیشترین شیوع افکار خودکشی در نوجوانانی دیده شده که رفتار والدین خود را سخت گیرانه ارزیابی کرده بودند، همچنین مشاهده شد که با عاطفی تر شدن روابط و کاهش کنترل در روابط والد-نوجوان، میانگین نمره افسردگی و فراوانی افکار خودکشی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها می‌تواند تبیین کننده رابطه معنی دار الگوی انضباطی سخت والدین با بحران هویت که از جمله تظاهرات آن افسردگی و افکار خودکشی است باشد. خوئی نژاد، رجایی و محب راد (۱۳۸۶) نیز در تحقیقی مشخص نمودند که الگوی انضباطی سخت و مستبدانه والدین حالتی از ترس دائمی را برای فرزندان به دنبال دارد و نوجوانان این قبیل از خانواده‌ها بیشتر از دیگران احساس تنهایی می‌کنند. این یافته نیز می‌تواند تبیین کننده رابطه مثبت الگوی سخت انضباطی والدین با گرایش به عشق پرشور به جنس مخالف برای پر کردن خلأ احساس تنهایی در این پژوهش باشد.

براساس اطلاعات جدول ۱ رابطه همبستگی خانواده با الگوی انضباطی مادر و پدر به ترتیب ($R = -0/35, P < 0/01$) و ($R = -0/27, P < 0/01$) به دست آمد. این یافته نشان می‌دهد مادران نقش مهم‌تری از پدران در ایجاد حس همبستگی خانوادگی دارند، و این نکته را نیز روشن می‌کند که هر چه الگوی انضباطی پدر و مادر سخت‌تر باشد احتمال وجود نارضایتی و کاهش روابط صمیمی و گسست نسل‌ها بیشتر شده و همبستگی خانوادگی آنها کاهش پیدا می‌کند.

یکی دیگر از یافته‌های جانبی این تحقیق این موضوع بود که در نمونه مورد بررسی الگوی انضباطی پدر و مادر با هم رابطه معناداری را نشان ندادند ($R = 0/14$)، این یافته می‌تواند روشن کننده عدم هماهنگی روش و سبک انضباطی پدر و مادر و احتمال وجود تعارضاتی بین آنها مبنی بر نحوه تربیت صحیح فرزندان باشد، این ناهماهنگی نیز می‌تواند خود به عنوان عاملی

منفی و مؤثر بر خصوصیات شخصیتی فرزندان آنها به خصوص در حوزه بحران هویت و عشق پر شور نقش ایفا کند.

همچنین در توضیح رابطه معنادار بحران هویت و عشق پر شور ($R=0/51$, $P<0/01$) عقیده بر این است که نوجوانانی که در شکل‌گیری هویت مشکل دارند بیشتر در روابط عشقی شدید درگیر می‌شوند و کیفیت این احساس وابسته به میل اساسی آنان برای جستجوی یک هویت مناسب در سایه وابستگی و تکیه به یک منبع محبت قابل اعتماد و حمایت‌کننده است (ملیس دوال^۱، ۱۹۶۴). همچنین هوگ و بوریوس^۲ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که پدید آمدن اعتماد و صمیمیت در روابط اولیه والد فرزند زیربنای رشد سالم هویت در سال‌های بعدی نوجوانی و جوانی است، و در صورت بروز مشکل در این مورد فرد با نیازهای دلبسته مدار رفع نشده، هویتی دیگر مدار را در چهارچوب اصالت دیگران تشکیل داده و همواره نگران طرد و رد شدن است و لذا به طور وسواسی به دیگران می‌چسبد. لذا نوجوانان پسری که بحران هویت بیشتری را ناشی از عدم همبستگی خانوادگی و الگوی انضباطی سخت و کنترل زیاد والدین تجربه می‌کنند بیشتر از دیگر نوجوانان دچار وابستگی‌های شدید عاطفی و یا عشق پر شور به جنس مخالف می‌شوند.

در این پژوهش با توجه به اینکه جامعه پژوهش پسران نوجوان بود در تعمیم یافته‌ها به کل جامعه نوجوانان باید با احتیاط برخورد کرد. همچنین در حوزه پژوهشی نیز پیشنهاد می‌شود تحقیق مشابهی بر روی نمونه دختران انجام گیرد و حوزه روابط و هویت دختران و اثرپذیری آنان را از همبستگی و الگوی انضباطی والدین در خانواده را نیز بررسی کرده و نتایج آن با نتایج تحقیق فعلی مقایسه گردد. و در حوزه کاربردی نتایج این تحقیق می‌تواند نویدبخش مداخلات خانواده درمانی برای افزایش همبستگی در میان اعضای خانواده و کاهش الگوی انضباطی سخت والدین در جهت جلوگیری از عواقب سوء بحران هویت پسران نوجوان و

1. Millis Duvall
2. Hoegh, & Bourgeois

همچنین مشکلات عاطفی و وابستگی‌های زود هنگام ناشی از فرار از فضای مغشوش خانواده و تخریب رابطه دو نسل، در میان نوجوانان پسر باشد.

سپاس و قدردانی

در پایان نویسندگان از کلیه دانش آموزان دبیرستان‌های شهرستان هرسین که به پرسش نامه‌ها پاسخ دادند و مسئولینی که در اجرای پژوهش همکاری کردند تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع فارسی

- امیری نژاد، علی؛ قریشی راد، فخرالسادات؛ جوانمرد، غلامحسین. (۱۳۹۰). مقایسه سبک‌های فرزندپروری و سلامت روان والدین افراد اقدام‌کننده به خودکشی با والدین افراد عادی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، (۳): ۳۱۵-۳۳۰.
- امانی، احمد؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نظری، علی محمد؛ نامداری، مهدی. (۱۳۹۰). اثربخشی دو رویکرد طرحواره‌درمانی و دلبستگی‌درمانی بر سبک‌های دلبستگی دانشجویان مرحله عقد. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، (۱): ۱۷۱-۱۹۱.
- احمدی، سید احمد و رضوانی نژاد، محبوبه. (۱۳۷۸). تأثیر آموزش گروهی به روش واقعیت‌درمانی بر بحران هویت دانشجویان. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، (۴): ۷۴-۸۹.
- پرهیزکار، آرزوخت؛ محمودنیا، علیرضا و محمدی، شهناز. (۱۳۸۸). مقایسه کیفیت رابطه والد-فرزند در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، (۲): ۸۲-۹۳.
- جمشیدی، بهنام؛ رزمی، محمدرضا؛ حقیقت، شهربانو و سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). رابطه انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده با ابعاد کمال‌گرایی. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، (۲): ۱۹۹-۲۰۵.
- جانسون، سوزان. (۱۳۸۹). *زوج‌درمانی هیجان‌مدار*، ترجمه حسینی، بیتا. تهران: انتشارات جنگل.

خلج آبادی، فریده و مهیار، امیر هوشنگ. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۲۴): ۴۴۹-۴۶۸. خوئی‌نژاد، غلامرضا؛ رجائی، علیرضا و محب راد، تکتیم. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، (۳۴): ۷۵-۹۲.

رفیعی نیا، پروین و اصغری، آرزو. (۱۳۸۶). رابطه بین انواع عشق و بهزیستی ذهنی در دانشجویان متأهل. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۹): ۴۹۱-۵۰۲.

شهرکی ثانوی، فریبا؛ نویدیان، علی؛ انصاری مقدم، علیرضا؛ فرجی شوی، مهدی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده بر کیفیت زندگی نوجوانان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، (۱): ۱۰۱-۱۱۴.

سامانی، سیامک و مزیدی، محمد. (۱۳۷۹). *بررسی مقایسه‌ای دلبستگی عاطفی پسران و دختران نوجوان به پدر و مادر و دوستان*. چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی و اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان، دانشگاه علوم پزشکی زنجان ۲۷-۲۹ مهر.

ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز و عسکریان، مهناز. (۱۳۸۹). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: نشر ویرایش.

سامانی، سیامک و رضویه، اصغر. (۱۳۸۶). رابطه همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، (۱): ۳۰-۳۷.

شکرایبی، زهرا و اسکندری، حسین. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجو. *فصلنامه مطالعات زنان*، (۵): ۸۷-۱۱۰.

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۲). *روان‌شناسی رشد*. تهران: انتشارات اطلاعات.

ضرغام بروجنی، علی؛ یزدانی، محسن و یزدان نیک، احمدرضا. (۱۳۸۰). ارتباط الگوی رفتاری والدین با افسردگی و افکار خودکشی در نوجوانان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، (۲): ۴۶-۵۴.

قائمی، علی. (۱۳۷۹). *حدود آزادی در تربیت*. تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان.

منابع لاتین

- Adams g.r, & ryan.b. & a, keathing l. (2000). family relationship academic environment psychological development during university experience *journal of adolescent research* ,15, 99-122.
- Ainsworth, M. D. S, & Bowlby, J. (1991). An ethological approach to personality development. *journal of American Psychologist*, 46, 331-341.
- Berzonsky, M. D. (2004). Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world Identity. An International. *Journal of Theory and Research*, 5, 125- 136.
- Brook,J.S.,Whiteman,M.,& Gordon,A.S. (1983).Stages of drug use in adolescence: Personality ,peer, and family correlates. *Journal of Developmental Psychology*, 19, 269-277.
- Conger, R., Elder, G., Lorenz, F., Simons, R., & Withbeck, L. (1992). A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Journal of Child Development*, 63, 526-541.
- Choi, W.K..(2012).The relationship between Family Cohesion and Intimacy in Dating Relationship: A Study Based on Attachment and Exchange Theories. *Discovery – SS Student E-Journal*. 1, 91-109.
- Dion, K. K., & Dion, K. L. (1993). Individualistic and collectivist perspectives on gender and the cultural context of love and intimacy. *Journal of Social Issues*, 49, 53–69.
- Erikson, E. H. (1968). Identity: Youth and crisis. *New York: Norton*.
- Fraley, R.C.(2002). Attachment stability from infancy to adulthood: Meta-analysis and dynamic modeling of developmental mechanisms. *Personality and Social Psychology Review*, 6, 123-151.
- Gershoff, E.T. (2002) . Corporal punishment by parents and associated child behaviors and experiences: A meta-analytic and theoretical review, *Psychological Bulletin*, 128, 539-579.
- Green, R.J., & Werner, P.D. (1996). Intrusiveness and closeness-caregiving: Rethinking the concept of family enmeshment . *journal of Family Process*, 35, 115 – 136.
- Graaf, H de, Van de Schoot, A.G J , Woertman, L , Hawk, S.T., Meeus, Wim .(2011).Family Cohesion and Romantic and Sexual Initiation: A Three Wave Longitudinal Study. *Journal of Youth Adolescence*, 41,583-92 .
- Hoegh, D. G., & Bourgeois, M. J. (2002). Prelude and postlude to the self: Correlations of achieved identity. *Journal of Youth & Society*, 33, 573-594.
- Hatfield, E., & Rapson, R. L. (1996). Stress and passionate love. *Journal of Adolescence*. 9, 383- 410.
- Hatfield, E , & Brinton, C ., & Cornelius, J. (1989).Passionate love and anxiety in young adolescents. *Journal of Motivation and Emotion*, 13, 271-289.
- Hatfield, E. & Sprecher, S. (1986). Measuring passionate love in intimate relations. *Journal of Adolescence*, 9, 383- 410.

- Johnson h.d. & lavoice j.c. & mahony m. (2001) .inter parental conflict and family cohesion predictor of loneliness, social anxiety and social avoidance in adolescent. *journal of adolescent research*,16 ,304-318.
- Kager, A., Lang, A , Berghofer, G., Henkel, H , Steiner,E., Schimitz, M., Rudas, S.(2000). Family dynamics, social functioning, and quality of life in psychiatric patients . *European Journal of Psychiatry*, 14, 161-170.
- Loving, T.J, & Crockett ,E , & Paxson A. (2009).Passionate love and relationship thinkers Experimental evidence for acute cortisol elevations in women. *Psychoneuroendocrinology* 34, 939-946.
- Miller , S , & Gorman-Smith, D, & Sullivan, T, & Orpinas, P., and Simon, T.R.(2009). Parent and peer predictor of physical dating violence perpetration in early adolescence: Tests of moderation gender differences. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*,38, 538-550.
- Masuda, M. (2003). Meta-analysis of love scales: Do various love scale measure the same psychological constructs?. *Japanese Psychological Research*, 54, 25-37.
- Millis Duvall ,E (1964). Adolescent Love as a Reflection of Teen-Agers' Search for Identity. *Journal of Marriage and Family*, Vol. 26, No. 2, pp. 226 -229.
- Reik, T. (1972). A psychologist looks at love. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Reardon,B. , & Griffing,P.(1983). Correlates of drug abuse in adolescents: A comparison of families of drug abusers with families of nondrug users. *Journal of Youth and Adolescence*, 12, 55-63.
- Reis, O., & Youniss, J. (2004). Patterns of identity change and development in relationships with mothers and friends. *Journal of Adolescent Research*, 19, 31-44.
- Strenberg,I, & Silverberg, s.(1986).the vicissitudes of autonomy in adolescence. *Journal of child development*,57,841-851.
- Samani, S. (2004). Developing a family cohesion scale for Iranian adolescents presented in 28th international congress of psychology. Betjing, China.
- Shulthes, D, P., & Blustein, D. I. (1994). Contributions family relationship factors to the identity formation process. *Journal of counseling and Development*. 73, 159-166.